

می شود در او مذاکره کرد لکن یک شور بیشتر نمی شود...

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس رأی میگیریم بتقاضای فوریت یعنی یک شور آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد سه نفر - برای استخراج آراء باید بقرعه معین بشود

(استقراع بعمل آمده آقایان مصدق - السلطنه : آقای میرزا سید مصطفی بهجانی و امین الشریعه معین گردیدند)

رئیس - پس در موقع تنفس کسری اعضای کمیسیون های سه گانه را به معین میفرمائید بعد دوازده نفر برای کمیسیون نفت ۱۰۰ رأی برتی از کمیسیون عرایض و مرخصی است قرائت میشود

(آقای آقای میرزا شهاب الدین بشرح ذیل قرائت نمودند)

آقای سردار معظم کردستانی - نماینده معتمد تقاضای چهار ماه مرخصی برای سرکشی بملاقات جات خودشان نموده اند کمیسیون عرایض و مرخصی در اطراف تقاضای ایشان مذاکره و سه ماهه تصویب مینماید

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده چنانکه در دوره چهارم هم راجع باین قبیل مرخصی ها عقیده خودم را اظهار می کردم باز هم همان عقیده را دارم و اظهار میکنم : آقایانی که چهار ماه مرخصی میخواهند لابد برای سرکشی بکارهای شخصی است خصوصاً در اول مجلس پس بهترین است که حقوقشان را به کتابخانه مجلس تقدیم کنند و مرخصی بدون حقوق باشد بنده با این ترتیب موافقم و اگر غیر از این ترتیب باشد بنده مخالفم

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - همانطور که خود حضرت والا فرمودند در دوره چهارم راجع به بنده هم این مذاکره را فرمودند لکن چون در آنوقت راجع بخود من بود عرضی نکردم ولی حالا که راجع به آقای سردار معظم است در خدمت حضرت والا عرض میکنم این مسئله که ایشان فرمودند اختیاری هست و ابدأ در نظامنامه چیزی ندارد ولیکن اگر شخصی ده ماه مرخصی بگیرد و حقوق خودش را بمیل خودش بدهد موضوعی است علیحده و بر حسب قانون تالیستی تعمیم کنیم آقای سردار معظم هم تصدیق مینماید دوره پیش که دو سال در مجلس بودند هیچ اجازه نگرفتند و این دفعه هم که شاید سه ماه یا چهار ماه اجازه خواستند البته تصدیق می فرمائید که چهار سال است از خانه وزندگی خودش دور

افتاده است و بموقع نیست که ما تصویب کنیم یک سرکشی بملاقات خودشان بکنند و اگر حضرت والا خیلی مایل هستند خوب است یک ماده بمجلس پیشنهاد کنند تا بنظامنامه اضافه بشود والا نمی شود تعمیم کرد که حکماء باید یک نماینده حقوق خود را بکتابخانه واگذار نماید در صورتی که خود بنده در آن موقع دادم ولی حالا چون راجع آقای سردار معظم بود عرض نکردم

رئیس - رأی میگیریم...

سردار معظم کردستانی - بنده عرضی دارم

رئیس - بفرمائید

سردار معظم کردستانی - بنده سه دوره است که افتخار نمایندگی را دارم الحمدالله اغلب همکاران محترم بنده هم شاید در همان دوره بوده اند و حالاً هم تشریف دارند در این سه دوره هیچ اجازه مرخصی تقاضا نکرده ام و باین پیشانی بلدی در پیشگاه ملت خدمات خود را ادامه داده ام حالا هم بنده اگر یک تقاضائی کردم بعد از چهار سال توقف در مرکز است (برای تفریح و تفنن هم نیست) این اظهاراتی که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند هر چه فکر میکنم فقط از یک نقطه نظر است که ایشان اغلب در خط نفعی کار می کنند و تصور می کردم گاهی هم در خط مثبت باشند لیکن معلوم شد خیر همان نظریه سابق را تعقیب میکنند انشاءالله مبارک است بنده با آن نظریه شخصی کار ندارم ولی همینقدر عرض میکنم کسی که چهار سال است از خانه خودش و بالاخره از موکلین خودش دور بوده است انصاف نیست که بگویند حکماء نرویا اینکه بخواهند یک حکومتی را تزریق کنند بنده اگر خودم در مقابل یک خدمتاتی را که عهده دار شده ام ششصد تومان یا هشتصد تومان خرج کنم هیچ منت هم به کسی نمی گذارم برای اینکه خودم خرج کرده ام و اگر بخواهم حقوقم را تقدیم بکنم خودم می کنم قانون هیچکس را مجبور نکرده است آقایان هر کدام میل دارند رأی بدهند متشکرم و هر کدام نمیخواهند رأی ندهند

رئیس - آقای سلیمان میرزا نظر خصوصی نداشتند

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

سلیمان میرزا - بنده دو سه کلمه عرض دارم

رئیس - اگر می خواهید توضیح بدهید بفرمائید

سلیمان میرزا - آقای سردار بیشتر از آنچه ترتیب مجلس بود رفتند جلو اظهار مثبت و منفی کردند در صورتی که به چه وجه متناسب با این موضوع نبود در حال بنده کاری ندارم که ایشان کجا میروند در چهار سال دوره و کالتشان مرخصی گرفته اند یا

نگرفته اند فقط نظر بنده این است وقتی یک شخصی میرود (علاوه بر این در اول افتتاح مجلس) در صورتی که در قانون استخدام برای مستخدمین دولت سالی یکماه مرخصی بیشتر قرار داده نشده است و کلاً برای خودشان در اول دوره سه ماه و چهار ماه مرخصی میگیرند بنده عرض می کنم اگر خواستند بروند باید از حقوق خودشان استفاده نکنند و یک نظریه شخصی هم بیست نظریه خودم است آزادم و باید اظهار بکنم هیچ ربطی هم به مثبت و منفی نداشت

رئیس - بنده هم همین را عرض کردم نظر شخصی نداشتند در دوره چهارم هم نسبت به آقایان نمایندگان و اشخاصی هم که جزو جمعیت خودتان بودند همین اظهار را نموده اید (جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - رأی میگیریم - آقایانی که برایت کمیسیون مرخصی رأی میدهند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)

سردار معظم - بنده بواسطه عدم اطلاع از اینکه اعتبارنامه امشب جزو دستود خواهد شد و در این باب مذاکراتی بعمل خواهد آمد برای پذیرائی واردین یک مدتی معروم بودم از آمدن بمجلس و بعد شنیدم در غیاب بنده یکی از نمایندگان محترم اظهاراتی فرموده اند که البته مقتضی بود در حضور خود من گفته شود

و حالاً هم این حرف را از این نقطه نظر عرض می کنم که حمل نشود در جواب اظهاراتی که ایشان امشب کرده اند من مسامحه یا نا توانی دارم باین ملاحظه هر وقت که مجلس صلاح بداند و نمایندگان محترم تصویب بکنند یا بوسیله خواندن صورت مشروح مجلس و یا از اعاده فرمایشات خودشان مطلع بشوم پس از اطلاع البته در صدد جواب برمیآیم و البته حکمیت یا اکثریت مجلس شورای ملی خواهد بود

رئیس - آقای ناصر الاسلام (اجازه)

ناصر الاسلام - البته آقایان تصدیق خواهند فرمود که بنده همین نظریه آقای سردار معظم را در اول اظهار مخالفت خودم مراعات کردم متأسفانه آنطور که منظور بنده بود حاصل نشد و حالا هر وقت مجلس صلاح بداند بنده اظهارات خودم را خواهم کرد و خیلی خوشوقت هستم که آقای سردار معظم اظهارات بنده را با یک مدارکی تکذیب بفرمایند بدیهی است بعد از بیانات بنده و اظهارات ایشان حکمیت با مجلس شورای ملی است

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم خراسانی - بلی بنده هم کاملاً تأیید میکنم فرمایشات آقای ناصر الاسلام را البته وقتی که مطالب بتقاضای مجلس شورای ملی گذاشته میشود اظهارات طرفین باید مبتنی بر یک مدارکی باشد باین ملاحظه است که ماضیاً هم مدارک خودمان را اقامه خواهیم کرد و بعد حکمیتش با مجلس خواهد بود

بنا بر این امشب بنده نمی خواهم وارد اصل مطلب بشوم و ضمناً همینطور که شب اول ورود خودم اظهار امتنان کردم باز از اینکه ایشان فایده شدند و منتظر شدند که اظهارات خودشان را در حضور بنده بکنند نهایت امتنان را دارم

رئیس - بموجب رأی که گرفته ایم جزو دستور جلسه آینده شده می ماند برای جلسه آینده

(از طرف بعضی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس جلسه بعد شب شنبه و شصت و نهم و نیم از شب گذشته

آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - کمیسیون دوازده نفری معین نشد بطور انتخاب میشود از شعبه انتخاب میشود یا از مجلس؟

رئیس آنجا گفته شد از مجلس و دوازده نفر هم گفته شد

آقای حاج عز الممالک (اجازه)

حاج عز الممالک بنده هم عرض کنم همین بود

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)

سردار معظم - بنده دیگر عرضی ندارم میخواستم بدانم جلسه آتی کی است که معلوم شد شب سه شنبه است

(مجلس چهار ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤمن الملک - منشی معظم السلطان

**جلسه ۱۴**

**صورت مشروح مجلس**

**لیله سه شنبه سوم ثور**

**۱۳۰۳ مطابق هفدهم**

**رمضان المبارک ۱۳۴۲**

(مجلس سه ساعت و ربع از شب گذشته بریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید)

(صورت جلسه لیله یکشنبه اول شوز را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - آقای دکتر احیاء السلطنه بر حسب اطلاعی که بکمیسیون دادند مریض اند و چون کمیسیون هم اکثریت پیدا نکرده بود که راپرت بدهد این است

که اینجاست که داده شد  
رئیس - فایده با اجازه نوشته میشود  
دیگر اعتراضی نیست؟  
( گفته شد - خیر )

رئیس - کمیسیون لایحه نظر را که بنا  
بود پریشب انتخاب بفرمایند انتخاب  
نکردید .

مدرس - درموقع تنفس انشاءالله  
رئیس - چون در موقع تنفس انتخاب  
نمی شود اگر صلاح بنامید در خود مجلس  
انتخاب شود

آقای دولت آبادی

( اجازه )

دولت آبادی - پیشنهاد داده ام

رئیس - آقای تدین

( اجازه )

تدین - انتخاباتی در مجلس میشود  
مطابق ماده ۹۳ نظامنامه بایست با انعقاد  
جلسه وبدون تعطیل مجلس بعمل آید بنا

براین درموقع تنفس بر خلاف نظامنامه  
است و همچنین انتخابات آن سه کمیسیون  
هم که در خارج شده است مخالف بانظام  
نامه است و برای آنکه ذهن آقایان بیشتر  
متوجه این قسمت بشود آن قسمت از ماده  
۹۳ نظامنامه را که راجع باین امر است

فراغت میکنم در انتخابات مجلس عمومی  
بیش از انتخابات هیئت رئیسه بطریق ذیل  
عمل می شود

یکی از طرفها دراطاق مجاورمجلس  
در تحت نظارت یکی از مشایخ و دو نفر از  
نمایندگان کابینه بقرعه می کشند اند که داشته  
می شود .

هریک از نمایندگان ورقه رای خود  
را آمده در آن ظرف میاندازند بدون  
اینکه جلسه برای این امر تعطیل شود

مستخرجین آراء در معادلی اسامی  
رای دهند کان علامت میکنندازند

مقصود این است که بشیر ازانتخابات  
هیئت رئیسه سایر انتخاباتی که درمجلس می  
شود ازقبیل انتخاب کمیسیونهایمندی انتخاباتی  
که ازتصوب نمی شود انتخابات عمومی با  
بودن مجلس بتصرف دراطاق مجاورمی  
گذارند و یکی یکی آقایان میروند و رای  
شانرا می دهند و بر میگردند بدون اینکه

مجلس تعطیل بشود بنابراین اگر در موقع  
تنفس این انتخاب بعمل بیاید برخلاف این  
ماده نظامنامه است انتخاب آن سه کمیسیون  
هم که در خارج شده است برخلاف نظام  
نامه بوده است و اگر گفته شود سابقه مجلس  
حجت است سابقه درمقابل نص حجت نیست

سابقه در موقعی است که نص وقانون حاصی  
نپاشد .

و اگر چنانچه مامعتمد باین اصل بشویم  
لازمه اش این است که در مدت چند دوره  
این نظامنامه بکلی ازبیس برود ونقطه چند  
ماده در روی لایحه بدون موضوع و بدون  
مصدقاتی باقی ماند پس بنا براین با این  
راجع بشب

با این تذکر بنده لازم می دانم صکه  
بدون تعطیل مجلس این انتخابات عمومی  
که از خود مجلس می شود باید مطابق این  
ماده بوقع اجرا گذاشته شود

رئیس - بلی همینطور است و حقیقت هم  
همین است اگر فیر از این عمل شده است  
برای این بود که تجربه شد بعضی از آقایان  
که بیرون میروند رای بدهند دیگر بر نمی  
کردند و مجلس ارا شریعت میافتد این بود  
که سابقه شد موقع تنفس رای بدسند ولی  
حالا که اخطار نظامنامه می شود بنده همان  
نظامنامه را اجرا میکنم

مدرس - مقصود بنده از اینکه عرض  
کردم در تنفس مقصودم این نبود که در  
موقع تنفس انتخاب کنیم بلکه نظرم این  
بود که در موقع تنفس تبادل آراء می شود  
بعد در مجلس انتخاب بشود مقصود من  
این بود .

رئیس - تبادل آراء را بنا بود پریشب  
و چند شب قبل بکنید و نکریدید چون جزو  
دستور است باید امتن انجام گیرد و اگر  
بخواهید باید پیشنهاد کنید که از دستور  
خارج شود آقای دستغیب

( اجازه )

دستغیب - بنده همین را که آقای  
مدرس فرمودند می خواستم عرض کنم که  
فرض تبادل افکار بوده و حالا که می فرمایند  
باید در خود مجلس بشود مانعی ندارد که  
بعد از تنفس بشود تا در موقع تنفس همان  
طور که آقای مدرس فرمودند تبادل آراء  
بشود بعد شروع بانتهاب بشود

رئیس - پیشنهاد کنید آقای ناصر -  
الاسلام .

ناصر الاسلام - بنده تصور میکنم تبادل  
آراء تا اندازه ای که آقایان باید بکنند  
کرده اند فرا کسبونها منعقد شد و پانداره  
لزوم تبادل آراء شده و امتن باید بر حسب  
قانون انتخاب بشود البته آقایان اشخاصی  
را در نظر می گیرند و انتخاب می فرمایند  
که تناسب داشته باشند والا اگر تبادل نظر  
ادامه پیدا کند بکسبوت آراء در مجلس تبادل  
نظر صرف خواهد شد

رئیس - آقای حاج آقا اسمعیل  
( اجازه )

حاج آقا اسمعیل - بنده تصور میکنم  
تبادل آراء در بین آقایان شده و بنده  
فراکسیونها را می بینم که تبادل آراء  
نکرده اند و اگر برای بعد از تنفس هم باشد  
مخالفتی بادستور نخواهد داشت

( پیشنهاد آقای دستغیب  
بشرح ذیل فرائت شد )  
بنده پیشنهاد میکنم بعد از تنفس شروع  
شود بانتهاب کمیسیون فقط  
رئیس - آقای دولت آبادی  
( اجازه )

دولت آبادی - بنده بیک پیشنهادی کردم  
راجع بشب

رئیس - آن پیشنهاد مغفل این پیشنهاد  
نیست بعد رای می گیریم آقایان بیک پیشنهاد  
آقای دستغیب را تصویب می کنند قیام  
فرمایند .

رئیس - اکثریت است  
( پیشنهاد آقای دولت آبادی  
بشرح ذیل فرائت شد )  
مقام ریاست مجلس شورای ملی .  
حقیق پیشنهاد میکنم کمیسیون فقط  
از شعب انتخاب شود  
مدرس - در آن جلسه قبل بر خلاف  
این پیشنهاد رای داده شد  
رئیس - آقای حاج عزالمالک .  
( اجازه )  
حاج عزالمالک - بنده هم میخواستم  
عرض کنم که در جلسه قبل رای داده شد که  
از مجلس انتخاب شود .  
رئیس - بلی اینطور است در این صورت  
این پیشنهاد مورد ندارد .  
اعتمادنامه آقای نصرت الدوله مطرح  
است آقای حاج عزالمالک  
( اجازه )  
حاج عزالمالک - بنده یک سوالی  
داشتم از آقای مخبر چون راپرت طبع و  
توزیع شده بود این بود که از آقای رئیس  
سوال کردم که ببینم تاریخ راپرت چه  
موقع بوده چون بنده یکماه عضویت همین  
شعبه را داشتم و گمان نمی کنم این راپرت  
آنوقت مطرح بود خواستم از آقای مخبر  
سوال کنم دلیل اینکه این راپرت را که  
از تاریخ ۲۳ حوت است تا بحال معطل کرده  
اند چه بوده؟

کرته اند از کمیانی فقط یا از جای دیگر  
چه فرق میکند در هر حال پول مملکت است  
که پایشان داده شده و مطابق دستپهن  
مقاصد حساب قطعی این ۲۰ هزار لیره به  
ایشان داده نشده است چون خود بنده  
هم در وزارت مالیه بودم تا یکدرجه پایین  
مسئله مسبق هستم .

یک مرتبه ۸۰۰۰۰ هزار لیره و یک  
مرتبه ۴۰۰۰۰ هزار لیره که جمعا ۱۲۰  
هزار لیره است بعرضت والاداده شده است  
و برای یک قسمت از این مبلغ که شاید معادل  
نصف باشد حسابی بوزارت خارجه فرستادند  
اند ولی وزارت مالیه هنوز تصدیق معام  
همین نصف را هم نکرده است و چون چند  
سال است که از این قضیه میکندد همین  
وزارت مالیه درصدد مطالبه این مبلغ است  
و هنوز حساب قطعی که مقاصد حساب ۲۰  
هزار لیره باشد که وزارت مالیه دریافت کرد  
پاشند در دست ایشان نیست این مسئله با  
بینده حق میدهد که نسبت پایشان متفرق  
بوده و صلاحیت حضرت والا را نسبت به  
نمایندگی مجلس شورای ملی تردید کنم .

رئیس - آقای نصرت الدوله .  
( اجازه )  
نصرت الدوله - در اول تشکیل مجلس  
دوره چهارم در پشت همین تریبون ( کرسی  
نطق ) .

این بنده در مقابل اعتراضاتی که نسبت  
بامضاء قراردادی شد جوابهای مفصلی دیدم  
عرض رساندم اگر چه از نقطه نظر منطقی  
از نقطه نظر معمول هر کاری در دنیا یک درز  
مشمعی میجواید و بالاخره در محکمه سیاسی  
یا محکمه قضائی از یک راهی و یک نهجی و  
بالاخره بیک رویه باید یک مسئله را خاتمه  
دهد و شاید ممکن بود که باین مناسبت هم  
اینجا تذکر بدهم که این قضیه یک قضیه  
خاتمه یافته باید تصور شود ولی از آنجاییکه  
بنده معتقدم که همیشه در هر موقع هر کسی  
مسئول هر عملی که بوده هر وقت از او یک  
نمایندگی یا یک شخص ذی صلاحیتی تعیین  
پریش از این تصور نکنم که در این موضوع  
وضعی لازم باشد که عرض برسانم برای  
آنچه قضایا و وقایعی که دنباله آن سیاست  
گیتا در دوره دوساله مجلس چهارم اعمال  
شد که خود من هم یکی از ارکان آن سیاست  
بودم کافی است که مسائل را روشن کند و  
هر چه بنده بخواهم بگویم جز تکرار همان  
دیگری نخواهد بود اگر چه تکرار مستحسن  
نیست ولی در صورت الزام دو جواب بلی  
مفروض خواهد بود .

یک اعتراضی یک تعرض علی الخصوص  
اگر صلاحیت یک نماینده باشد البته باید  
مبنی بر یک امری باشد که آن امر از نقطه  
نظر معاصی یا قضائی قابل محسوس  
کردن صاحب آن امر و مسئول مشترک در  
آن امر باشد .

در دوره سابق عرض کردم پیش آمده  
قرارداد در دوره فترت در فترت  
بود که فرمودند و همانطور که عرض کردم  
بنده هم اعتراضی ندارم و حق توضیح و  
سوال از بنده دارند .

بلی بنده در موقعی که دولت وقت دسترس  
مغایر حساب بودم و تقریباً صد و بیست هزار  
لیره شاید هم بیشتر در دست خاطر نیست  
ولی در همین حدود من ابواب جمع داشتم که  
در مقابل آن سند من و قرض من در وزارت  
مالیه محفوظ است و البته مطابق تمام اصول  
مقررده منم مسؤلیت این امر را دارم که به  
وزارت مالیه حساب وجوه ابواب جمعی خودم  
را بدهم اگر بعد از تقریب معامسه من بدهی  
داشتم باید بدوالت تأدیبه کنم و اگر بدهی  
نداشتم طلب داشتم از دولت بگیرم همان  
طور که خودشان اشاره کردند بکفایت  
از این معامسه را که مربوط بکار وزارت  
خارجه بود و میزانشهم خیلی بیشتر از نصف  
است شاید در خاطر ایشان نباشد من اسناد  
را بوزارت خارجه برد کردم و وقت ست گرفتیم  
و در حقیقت تقریب آن معامسه با وزارت  
مالیه مربوط بغرض وزارت خارجه است و  
اگر هم از من توضیحاتی بخواهند البته  
جواب خواهم داد یک قسمت دیگرش که  
بوزارت خارجه داده نشده بود مربوط به  
حساب دربار و حساب اعلی حضرت که آنهم  
در همان موقع اسنادش تمام حاضر بود ولی  
چون مربوط بوزارت خارجه بشود بایست  
صبر کنم که وزارت خارجه قسمت راجع به  
خودش را با وزارت مالیه تقریب بکند و بعد  
نسبت بباقی که وزارت مالیه از من مطالبه  
میکند و راجع بحساب اعلی حضرت است بنده  
آنرا تصفیه بکنم

در موقعی که من عازم حرکت بودم  
بعد از انقضای دوره چهارم از وزارت مالیه  
بمن گفتند که بفرمایند که این حسابها خود  
من روشن کنم جوابهم در همان موقع دادم  
که البته صحیح است و بنده هم حاضر برای  
روشن کردن حساب .

قسمتی که راجع بوزارت خارجه است  
از وزارت خارجه بخواهند نسبت بیافیش هم  
در موقعی که مراجعت میکنم خود من این  
حساب را بوزارت مالیه رد میکنم  
حالا هم در جواب حاج عزالمالک  
تکرار میکنم همانطور که بوزارت مالیه  
نوشته ام در اولین وقت و اولین فرصت خودم  
از وزارت مالیه تقاضا خواهم کرد که این  
حساب را تقریب کند و البته تقریب حساب  
را هم با اطلاع ایشان خواهم رسانید و اگر  
بخواهند به عرض مجلس هم خواهم رسانند .  
( جمعی از نمایندگان اظهار نمودند  
مذاکرات کافی است بعضی گفتند کافی  
نیست )

رئیس - مذاکرات کافی است ؟  
( بعضی از نمایندگان کافی است  
جمعی دیگر کافی نیست )  
رئیس - آقای داور  
( اجازه )  
داور - بنده موافقم

رئیس - آقای ناصر الاسلام  
( اجازه )  
ناصر الاسلام - در قسمت اعتراضی که  
آقای حاج عزالمالک راجع بعدم صلاحیت  
حضرت والا کردند اظهار نمودند  
که بنده در این امر موافقم و تقریباً صد و بیست هزار  
لیره شاید هم بیشتر در دست خاطر نیست  
ولی در همین حدود من ابواب جمع داشتم که  
در مقابل آن سند من و قرض من در وزارت  
مالیه محفوظ است و البته مطابق تمام اصول  
مقررده منم مسؤلیت این امر را دارم که به  
وزارت مالیه حساب وجوه ابواب جمعی خودم  
را بدهم اگر بعد از تقریب معامسه من بدهی  
داشتم باید بدوالت تأدیبه کنم و اگر بدهی  
نداشتم طلب داشتم از دولت بگیرم همان  
طور که خودشان اشاره کردند بکفایت  
از این معامسه را که مربوط بکار وزارت  
خارجه بود و میزانشهم خیلی بیشتر از نصف  
است شاید در خاطر ایشان نباشد من اسناد  
را بوزارت خارجه برد کردم و وقت ست گرفتیم  
و در حقیقت تقریب آن معامسه با وزارت  
مالیه مربوط بغرض وزارت خارجه است و  
اگر هم از من توضیحاتی بخواهند البته  
جواب خواهم داد یک قسمت دیگرش که  
بوزارت خارجه داده نشده بود مربوط به  
حساب دربار و حساب اعلی حضرت که آنهم  
در همان موقع اسنادش تمام حاضر بود ولی  
چون مربوط بوزارت خارجه بشود بایست  
صبر کنم که وزارت خارجه قسمت راجع به  
خودش را با وزارت مالیه تقریب بکند و بعد  
نسبت بباقی که وزارت مالیه از من مطالبه  
میکند و راجع بحساب اعلی حضرت است بنده  
آنرا تصفیه بکنم

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

ایکاظ دولت وقت بهمان اندازه قناعت  
بیکرد ممالک قبل از اینکه مجلس  
شورای ملی منعقد شود قبل از اینکه مراکز  
صالحه مراجعه بشود یک قسمت از آن قرار  
داد بموقع عمل گذارده شد منجمله استخدام  
مستشار مالیه .  
گویا کس نیست اسم ( آرمی تاژ  
اسمیت ) معروف را بعنوان مستشاری مالیه  
ایران نشینده باشد .

رئیس - آقای ناصر الاسلام  
( اجازه )  
ناصر الاسلام - در قسمت اعتراضی که  
آقای حاج عزالمالک راجع بعدم صلاحیت  
حضرت والا کردند اظهار نمودند  
که بنده در این امر موافقم و تقریباً صد و بیست هزار  
لیره شاید هم بیشتر در دست خاطر نیست  
ولی در همین حدود من ابواب جمع داشتم که  
در مقابل آن سند من و قرض من در وزارت  
مالیه محفوظ است و البته مطابق تمام اصول  
مقررده منم مسؤلیت این امر را دارم که به  
وزارت مالیه حساب وجوه ابواب جمعی خودم  
را بدهم اگر بعد از تقریب معامسه من بدهی  
داشتم باید بدوالت تأدیبه کنم و اگر بدهی  
نداشتم طلب داشتم از دولت بگیرم همان  
طور که خودشان اشاره کردند بکفایت  
از این معامسه را که مربوط بکار وزارت  
خارجه بود و میزانشهم خیلی بیشتر از نصف  
است شاید در خاطر ایشان نباشد من اسناد  
را بوزارت خارجه برد کردم و وقت ست گرفتیم  
و در حقیقت تقریب آن معامسه با وزارت  
مالیه مربوط بغرض وزارت خارجه است و  
اگر هم از من توضیحاتی بخواهند البته  
جواب خواهم داد یک قسمت دیگرش که  
بوزارت خارجه داده نشده بود مربوط به  
حساب دربار و حساب اعلی حضرت که آنهم  
در همان موقع اسنادش تمام حاضر بود ولی  
چون مربوط بوزارت خارجه بشود بایست  
صبر کنم که وزارت خارجه قسمت راجع به  
خودش را با وزارت مالیه تقریب بکند و بعد  
نسبت بباقی که وزارت مالیه از من مطالبه  
میکند و راجع بحساب اعلی حضرت است بنده  
آنرا تصفیه بکنم

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

ایکاظ دولت وقت بهمان اندازه قناعت  
بیکرد ممالک قبل از اینکه مجلس  
شورای ملی منعقد شود قبل از اینکه مراکز  
صالحه مراجعه بشود یک قسمت از آن قرار  
داد بموقع عمل گذارده شد منجمله استخدام  
مستشار مالیه .  
گویا کس نیست اسم ( آرمی تاژ  
اسمیت ) معروف را بعنوان مستشاری مالیه  
ایران نشینده باشد .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

ایکاظ دولت وقت بهمان اندازه قناعت  
بیکرد ممالک قبل از اینکه مجلس  
شورای ملی منعقد شود قبل از اینکه مراکز  
صالحه مراجعه بشود یک قسمت از آن قرار  
داد بموقع عمل گذارده شد منجمله استخدام  
مستشار مالیه .  
گویا کس نیست اسم ( آرمی تاژ  
اسمیت ) معروف را بعنوان مستشاری مالیه  
ایران نشینده باشد .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

ایکاظ دولت وقت بهمان اندازه قناعت  
بیکرد ممالک قبل از اینکه مجلس  
شورای ملی منعقد شود قبل از اینکه مراکز  
صالحه مراجعه بشود یک قسمت از آن قرار  
داد بموقع عمل گذارده شد منجمله استخدام  
مستشار مالیه .  
گویا کس نیست اسم ( آرمی تاژ  
اسمیت ) معروف را بعنوان مستشاری مالیه  
ایران نشینده باشد .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

ایکاظ دولت وقت بهمان اندازه قناعت  
بیکرد ممالک قبل از اینکه مجلس  
شورای ملی منعقد شود قبل از اینکه مراکز  
صالحه مراجعه بشود یک قسمت از آن قرار  
داد بموقع عمل گذارده شد منجمله استخدام  
مستشار مالیه .  
گویا کس نیست اسم ( آرمی تاژ  
اسمیت ) معروف را بعنوان مستشاری مالیه  
ایران نشینده باشد .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

ایکاظ دولت وقت بهمان اندازه قناعت  
بیکرد ممالک قبل از اینکه مجلس  
شورای ملی منعقد شود قبل از اینکه مراکز  
صالحه مراجعه بشود یک قسمت از آن قرار  
داد بموقع عمل گذارده شد منجمله استخدام  
مستشار مالیه .  
گویا کس نیست اسم ( آرمی تاژ  
اسمیت ) معروف را بعنوان مستشاری مالیه  
ایران نشینده باشد .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

ایکاظ دولت وقت بهمان اندازه قناعت  
بیکرد ممالک قبل از اینکه مجلس  
شورای ملی منعقد شود قبل از اینکه مراکز  
صالحه مراجعه بشود یک قسمت از آن قرار  
داد بموقع عمل گذارده شد منجمله استخدام  
مستشار مالیه .  
گویا کس نیست اسم ( آرمی تاژ  
اسمیت ) معروف را بعنوان مستشاری مالیه  
ایران نشینده باشد .

و هکذا بکدام نظامی که اگر بجز این  
آنها روزمره بفرماید مذاکرات نظامیاتی  
که استخدام شده بودند صاحب منصبان  
این کاملاً برسانند که دولت وقت قبل از  
آنکه بآن قیدی که در قرارداد کرده بودند  
که بمجلس شورای ملی مراجعه شود داخل  
عمل شده بود .

این قرارداد را بست و مستشار مالیه  
را استخدام کرد و مستشار نظامی هم  
استخدام شود .

در یک قسمت از اظهاراتشان راجع  
بمعامسه فرمودند چون بنده در آن  
قسمت اطلاعی ندارم اظهار عقیده نمی کنم  
ولی خوب یاد دارم راجع بصدوم هزار لیره  
که سه نفر از اعضاء هیئت دولت گرفته بودند  
از دولت ایران مطالعه کردند در حالیکه در  
کابینه رئیس الوزراء وقت یک معامسه سندی  
که مدرک باشد از برای دریافت معامسه  
نبود وزارت مالیه هم نبود در وزارت خارجه  
هم نبود رئیس دولت وقت ناجار شد از  
گسانکه بول را گرفته اند استعمال کرده  
من جمله از آقای وثوق الدوله رئیس الوزراء  
وقت که آنوقت دولتمند تشریف داشته  
بوسیله تلگراف استعمال شد من جمله از  
شاهزاده صارم الدوله که آنوقت حکومت  
کرمانشاه را داشتند استعمال شد من جمله  
از حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله در  
همین موضوع استعمال شد .

حاج عزالمالک - بنده هم میخواستم  
عرض کنم که در جلسه قبل رای داده شد که  
از مجلس انتخاب شود .  
رئیس - بلی اینطور است در این صورت  
این پیشنهاد مورد ندارد .  
اعتمادنامه آقای نصرت الدوله مطرح  
است آقای حاج عزالمالک  
( اجازه )  
حاج عزالمالک - بنده هم میخواستم  
عرض کنم که در جلسه قبل رای داده شد که  
از مجلس انتخاب شود .  
رئیس - بلی اینطور است در این صورت  
این پیشنهاد مورد ندارد .  
اعتمادنامه آقای نصرت الدوله مطرح  
است آقای حاج عزالمالک  
( اجازه )  
حاج عزالمالک - بنده هم میخواستم  
عرض کنم که در جلسه قبل رای داده شد که  
از مجلس انتخاب شود .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

یعنی اگر در دوره فترت یک نحو  
قضایا از قبیل قرارداد پیش آمد و مراکز  
صالحی نباشد که بآنجا مراجعه شود دولت  
می تواند اقداماتر بکند و بالتبعه آن چه  
استنباط میشود مشروقی خواهد شد  
یعنی انعقاد قرارداد مشروقی بوده و حال  
اینکه انطه نیست دولت در دوره  
فترت تشکیل میشود اگر مصادف شد به  
یک نحو تقاضای غیر مشروقی که برای  
مملکت مضر باشد و اساس استقلال مملکت  
را متزلزل کند هیچ دولت نمیتواند خود  
را حاضر کند که آن تقاضا ها را قبول  
کند بعد از آنکه در آنوقت مجلس شورای  
ملی یعنی مرکز نقل نبوده است  
دیگر اینکه اشاره کردند باینکه پس  
از عقد قرارداد دولت موکول کرد اجرای  
آن قرارداد را بتصویب مجلس شورای ملی  
بلی در بکسبوت از قرارداد همینطور نوشته  
شده بود .

شورای ملی منقذ نشده بود و هنوز دولت  
 خارجی پیدا خواهد کرد. جوایهائی که  
 حضرت والا داده اند البته يك قسمتش را  
 آقایان درجرائم خوانده اند ولی بنده مقصود  
 را نفهمیدم که انکار است. اقرار است.  
 طه است ماهیچ نفهمیدم باین وصف آقایان  
 چه طور میتوانند وارد بشوند در موافقت با  
 حضرت والا که هافد قرار داد هستند باقرار  
 خودشان. فقط فقط میگویند مقتضیات وقت  
 و نبودن مرکز هتل در مملکت مرا مجبور  
 باین کار کرد. بنده عرض می کنی زمانداران  
 دیگری در مملکت بودند اشخاص دیگری  
 بودند آقایان چه وظیفه مقدس بود که باید  
 حضرت والا و رفقای ایشان انجام بدهند بکسانی  
 که شرکت نکنند متعزیر بشوند. بنده عرض  
 میکنم حضرت والا همین آقای مدرس  
 که در دوره چهارم مدافع ایشان  
 بودند یکی از مخالفین جدی قرار داد  
 بودند و نظایمها در منزل ایشان مراقبت  
 میکردند تا کسانیکه مخالف قرار داده بودند  
 وارد نشوند و هر کسی که مخالف قرار داد  
 بود تبعید می شد من جمله عده ای را بکاشان  
 تبعید کردند.  
 حالا آقای مدرس تبعید نشده یعنی  
 موفق بیه تبعید ایشان نشدند آن يك  
 مسئله ای است علیه.  
 برای قرارداد خود کشی کردن باین  
 اندازه که يك شهری را تهدید کنند و يك  
 عده ای را تهدید کنند نیستند گفت که  
 هافدین قرارداد علاقتند با جرایم این قرارداد  
 نبوده اند.  
 قسمت دیگر از امراض بنده (که بمحکومیت  
 نمیتوانم تغییر کنم) مطرح شدن قضیه ارباب  
 جمشید در عدلیه بوده است و صورتی که از  
 رشوه ها داده است من جمله ۸۰۰۰ تومان  
 باسم حضرت والا نوشته شده است.  
 در این قسمت بنده نمی توانم بگویم  
 حق است و حق قضاوت ندارم چون اطلاع  
 درستی در این قضیه ندارم ولی آنچه در  
 مطبوعات نوشته اند من جمله حضرت والا  
 ایشان نوشته شده است از آنجائی که بنده  
 وظیفه دارم آنچه را که از نقطه نظر حقیقت  
 می توانم بگویم باین نقطه نظر گفتم که  
 مجلس هم بوظیفه وجدانی خودش رفتار  
 بکند والا از نقطه نظر شخصی هیچ نظر  
 سوتی نیست بعضرت والا نداشتم.  
 فقط فقط معتقدم که مجلس شورای  
 ملی که مرگرتقل مملکت است باید دارای  
 يك وکلان باشد که از این نسبتها بری  
 باشد یا خودش را تبرئه کند.  
 رئیس - آقای داور.  
 (اجازه)  
 داور - در ابتدای دوره چهارم تقنینیه  
 يك كشمکهائی در سر اعتبارنامه من جمله  
 اعتبارنامه شاهزاده نصرت الدوله پیش آمد

بنده در آنوقت شرف عضویت مجالس را  
 نداشتم و در اواخر دوره چهارم مجلس  
 آمد ولی آن آن كشمکهها را بدبختانه  
 از نزدیک دیدم (آثاری که طبیعت در این  
 طور مواقع پیش می آید و در مسائل مملکتی  
 هم تا بگذرد همیشه مؤثر است) از همین  
 نقطه نظر بود که امیدوار بودم در این دوره  
 از این قبیل كشمکهها و زدو خورد ها پیش  
 نیاید و ما بتوانیم با کمال اطمینان معتقد  
 باشیم باینکه مجلس پنجم يك مجلس تاریخی  
 خواهد بود و مملکت يك خدماتی خواهد  
 کرد و يك مجلسی خواهد بود که با وجود  
 يك دولت جدی و قوی همه قسم موفق به  
 اصلاحات خواهد شد متأسفانه همچو معلوم  
 میشود که باز این قبیل گفتگوها پیش می  
 آید و حتی تکرار میشود.  
 از طرفی خیلی خوشوقتیم که بنده  
 مدافعه می کنم چون خودم یکی از اشخاصی  
 بودم که در موقع انعقاد قرارداد با اندازم  
 که می توانستم در خارج از ایران اقداماتی  
 در این باب کردم و پروتستها می نوشتم و در  
 جرائم انتشار دادم برای اینکه آن قرارداد  
 را برای ایران خوب نمیدانستم ولی مطابق  
 ترتیبی که در خارج ایران معمول بود می  
 نوشتم این یکی از خطاهای سیاسی بزرگ  
 است که دولت ایران مرتکب شده است  
 بنده تصور میکنم که هیچکس در  
 زندگیا نمی توانست خود را از این ادعا  
 بکند که هیچوقت هیچ خطی هیچ اشتباهی  
 نداشته است همه کس ممکن است دچار خط  
 و اشتباه بشود  
 بنده نمیدانم حکومت آنوقت این مسئله  
 را بعد از اینکه این قضایا پیش آمد و اصل  
 قرارداد از میان رفت معتقد بود که يك  
 خط بزرگی است یا خیر؟ ولی بنظر بنده  
 يك خط بزرگی بود در هر صورت برای  
 اینکه این قبیل مسائل و خطها را بشخص بر  
 گردانند و خیانت حساب کنند و يك مسئله  
 باشد که شود در يك چنین موقعی آنرا  
 عنوان کرد گمان میکنم موافق ترتیب و موافق  
 اصول يك مصلحت دیگری لازم داشته باشد  
 يك دلالتی و بر اهینی و يك معکله صلاحیت  
 داری میخواهد تادر آنجا مطابق قانون و  
 موافق اصول و فوائد قضائی قضیه حل شود  
 شود و بگویند که ماهیت حا که صلاحیت  
 رسیدگی باین مسئله را داشتیم از روی اسناد  
 و دلایل بمانتاب شد که این شخص یا این  
 اشخاص خیانت کرده اند پس از آنکه همچو  
 ورقه در دست بود البته بدون گفتگو در يك  
 همچو موقعی میتوان آنرا ابراز کرد و  
 ثابت نمود منتهی در ایران گاهی در مسائل  
 خیلی دقیق میشوند و گاهی اغماضهای زیادی  
 را معمول میدارند و هیچ فرقی بین این دو مرحله  
 نمیکذارند مرحله اول آنست که يك نسبتی  
 بيك کسی داده شده و مرحله دیگر وقتی  
 است که آن نسبت در يك معکله صلاحیت  
 داری طرف بحث و شور واقع شده و بآن

رأی داده شده و معلوم شده است که يك  
 عملی بوده است مخالف ترتیب و مخالف قانون  
 و قابل تعقیب است و از همین نقطه نظر است  
 که تصور میکنم آقایان مخالفین اشاره  
 فرمودند بيكی دو موضوع که قسمت آخرش  
 که در خاطر مانده است قضیه ارباب جمشید  
 است البته خود آقایان پس از وقت تصدیق  
 خواهند فرمود که صرف بيك نسبتی بيك کسی  
 یا يك اسنادی بيك کسی هیچوقت باعث این  
 نمیشود که آن شخص را مامور بدانیم (اصل  
 این است که اشخاص می تقصیرند) لااقل  
 اصول قضائی اینطور میگویند و اینطور حکم  
 میکند حالا اگر این اصل در نظر بعضیها طور  
 دیگر بوده نمیدانم ولی اصل این است که  
 اشخاص بتقصیرند تا آن وقتی که يك معکله  
 حکم بتقصیر آنها بدهد و تصور میکنم از  
 برای مصالح هر جامعه باید طرفدار این اصل  
 بود یعنی اشخاص مادامی که تقصیر آنها در  
 يك معکله صلاحیت داری به ثبوت نرسیده  
 است آنها را نباید بدون تقصیر دانست باین  
 ملاحظه است که عرض میکنم این موضوع  
 جرائم انتشار دادم برای اینکه آن قرارداد  
 را موضوع شد زیرا ما اینجا هیئت قضائی  
 نیستیم و باستی در يك جای صلاحیت داری  
 رسیدگی شود که آنجا در ما چا که عدلیه  
 میگویند و باید در آنجا رسیدگی شود پس  
 از آنکه رسیدگی شود معلوم شد که طرف  
 استناد محکوم بوده و تقصیر کرده است البته  
 آن وقت ترتیب اثری هم داده خواهد شد  
 چون نمی خواهم زیاد داخل در بحث مذاکرات  
 شوم تصور میکنم که تصدیق داشته باشند  
 که همه حتی الامکان باید سعی کنیم که  
 مذاکرات مجلس خیلی ملامت و با يك  
 حالتی باشد که همه آنرا يك حالت بیطرفی  
 بدانند و يك قضاوت منصفانه بنظر نرسد این  
 این است که پیش از این نمی خواهم چیزی  
 عرض کنم ولی همینقدر تذکر میدهم  
 و تکرار میکنم چنانچه در اول هم عرض  
 کردم ما باید کاری نکنیم که انشاء الله مجلس  
 با يك نظری که نظر وحدت باشد بتواند  
 تکلیف و بالاخره این كشمکهها  
 بکنیم که وقت خودمان را صرف این كشمکهها  
 يك آثاری از خود باقی نگذارد که شاید  
 ما را در بعضی مواقع از يك کارهای بزرگی  
 باز خواهد داشت.  
 (جمعی گفتند - مذاکرات کافی است)  
 (بعضی اظهار نمودند - کافی نیست)  
 رئیس - رأی می گیریم آقایانیکه  
 مسند کرات را کافی می دانند قیاس  
 فرمایند.  
 (اغاب قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد معلوم میشود کافی  
 است. رأی میگیریم بنیایدگی شاهزاده  
 نصرت الدوله آقایانیکه تصویب میکنند قیام  
 فرمایند.  
 (اغلب قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد. قسمت آقای

سردار معظم میماند برای بعد از تنفس  
 اینکه مسئولتر متوجه نشود باید عرض کنم  
 به آقایان اینکه گفته شد بیرون در مجلس  
 رأی گرفته شد که کمیسیون فقط از مجلس  
 انتخاب شود گویا اینطور نباشد پیشنهاد  
 آقای عماد السلطنه قرائت میشود تا خاطر  
 آقایان مستحضر بشود  
 (پیشنهاد فوق شرح ذیل قرائت شد)  
 بنده پیشنهاد میکنم راجع بمسئله نظ  
 کمیسیون هشت نفری مخصوص تشکیل  
 شود و در صورتیکه لازم باشد با مشارکت  
 کمیسیون فوائد عامه رابرت او را حاضر و  
 مجلس تقدیم نماید.  
 رئیس - آقای عماد السلطنه.  
 (اجازه)  
 عماد السلطنه - نظر بنده از اینكه پیشنهاد  
 کردم این بود که کمیسیون از مجلس انتخاب  
 شود بعد در آخر مجلس دوسه نفر از آقایان  
 تردید کردند و من مخصوصاً توضیح  
 خواستم در آن وقت هم غالب آقایان  
 تصدیق فرمودند که از مجلس انتخاب شود  
 و مخالف هم نشد و همان سکوت مجلس در  
 حقیقت رأی بود.  
 رئیس - بیجزي که رأی گرفته شده است  
 پیشنهاد بوده است نه مقصود حتامالی پس  
 باید رأی بگیریم به پیشنهاد آقای دولت  
 آبادی. آقای مدرس.  
 (اجازه)  
 مدرس - بنده هم اظهارات آقای  
 عماد السلطنه را تائید میکنم بيك کسی پیشنهاد  
 کرده بود از شعبه بنده عرض کردم  
 از مجلس و به همین ترتیب مجلس خانه  
 یافت.  
 (جمعی از نمایندگان صحیح است)  
 رئیس - عرض میکنم چیزی که بآن  
 رأی گرفته شد همان پیشنهاد بود و در  
 اینجا اسمی از مجلس برده نشده است.  
 آقای حاج عز الممالک.  
 (اجازه)  
 حاج عز الممالک - بنده موافقم با آقای  
 مدرس.  
 رئیس - آقای دولت آبادی پیشنهاد  
 را مسترد میکنید یا رأی میگیریم؟  
 حاج میرزا یحیی دولت آبادی رأی  
 بگیرد.  
 حاج عز الممالک - بنده مخالفم.  
 رئیس - آقای آصف الممالک  
 (اجازه)  
 آصف الممالک - بنده باشم بمخالفم  
 رئیس - بفرمائید.  
 آصف الممالک - کمیسیون نفت کمیسیون  
 مهمی است و باید اشخاص از نقطه نظر  
 صلاحیت و تخصصشان انتخاب بشوند چون  
 انتخاب از شعبه بترتیب قرعه است ملاحظه  
 صلاحیت و اطلاعات نمیشود و ممکن است  
 اشخاصی انتخاب بشوند که اطلاعات و  
 خصوصیات نداشته باشند از این جهت بنده

است انسان بلا اراده مزاحم يك اشخاصی  
 بشود که اصلاً میل و رغبت هم ندارد لهذا  
 جواب های من فقط محدود خواهد بود و برد  
 اعتراضات که شده است.  
 اعتراضاتی که بنده شده است عبارت  
 بوده است از سه فقره یکی اینکه مرخصی  
 کمیسیون میکس بودام کمیسیون میکس  
 چه بود؟ کمیسیون میکس کمیسیونی بود  
 که دولت زمان در تحت تأثیر هر حادثه و  
 واقعه که بود برای تقسیم سی و سه هزار  
 لیره مراتب قبول کرد.  
 در قبول اساس آن من ابداً شرکت  
 نداشتم و مربوط به ما من هم نیست و بنا  
 بر این مسئولیت آنهم بمن نمی توانست متوجه  
 بشود و اگر در این زمینه مسئولیت ممکن  
 است متوجه بشود متوجه دولت زمانی بوده  
 است که این اساس را فراهم کرده بود  
 پس از آنکه اساس مطلب قطعی و تمام شد  
 در ضمن گاننده ها، مغتلفه که بود دولت  
 زمان ببنده تکلیف کرد که بنیام و عضویت  
 کمیسیون مزبور را قبول کنی مرا تائیداً  
 استتکاف کردم ولی دولت زمان در مقابل  
 من يك منظره اقامه کرد که آن منطبق مرا  
 و ادا را قبول کرد و آن منطبق این بود:  
 بمن گفته شد برای اینکه مضرات يك  
 مطالبی محدود شود عضویت اشخاص بصیر  
 و معلم می تواند از این مضرات جلوگیری  
 کند شما باید از سه نظریه که در اینکار  
 بشما متوجه میشود صرف نظر کنید برای حفظ  
 مصالح عمومی و تقلیل ضرر منجم باین منطبق  
 فائده شدم و قبول کردم بدهم تجربه بمن  
 ثابت کرد و نشان داد که حق با دولت بوده  
 است زیرا پس از چندی معلوم شد که جریان  
 سیاست آن روزه در صدد توسعه و بسط  
 اختیارات کمیسیون مزبور بود.  
 بمجرد اینکه این مطلب حشر شد من  
 بر حسب يك اسناد و دلایل که از همان موقع  
 موجود است شدیداً مخالفت کردم و مخالفت  
 من مانم از این شد که کمیسیون مزبور  
 بسط اختیارات پیدا کند و بالتیجه وقتیکه  
 این موقیبت حاصل شد البته خود کمیسیون  
 مزبور هم لغو و باطل میشود.  
 قسمت دوم اعتراض آقای ناصر الاسلام  
 بمن این بوده است که من در گیلان حکومت  
 نظامی اعلان کرده ام و یکمده قزاقی در  
 محبت من و در تحت امر من بوده است و  
 بالتیجه یکمده اشخاصی هم در گیلان بر  
 حسب حکم من معدوم شده اند.  
 مسئله اول برخلاف حقیقت است زیرا  
 من حکومت نظامی را اعلان نکردم و قهراً  
 وقتیکه این مسئله ثابت و محرز شد نتیجه  
 آن حکومت نظامی که اعدام عده بر حسب  
 امر من باشد قهراً از بین می رود برای اثبات  
 اینکه من در گیلان حکومت نظامی اعلان  
 نکرده ام دو سند بیشتر لازم نیست ارائه  
 بدهم:  
 يك سند بیست که بیست و اگر آقایان

نمایندگان محترم لازم میدانند قرائت بکنم  
 قرائت میکنم.  
 بر حسب این سند رئیس الوزرا وقت  
 بیست و نهم برج حوت حکومت نظامی  
 اعلان میکنند نه تنها در گیلان بلکه در  
 گیلان و قزوین و تنکابن و مازندران و نقاط  
 جزء آن.  
 این ورقه را تقدیم مقام محترم ریاست  
 مجلس میکنم و اگر آقایان نمایندگان  
 محترم لازم بدانند قرائت میکنم لازمست  
 قرائت بکنم؟  
 (جمعی از نمایندگان  
 خیر لازم نیست)  
 سردار معظم - بر حسب این ورقه که  
 من تقدیم کردم رئیس الوزرا زمان اختیارات  
 نه تنها گیلان بلکه نقاط مذکور معروضه  
 را بر رئیس قزاقخانه آن زمان مسئول  
 استراتژیک و اگذار کرد و بایشان يك  
 اختیارات نامحدودی در تمام این قسمت ها  
 داده شده بود.  
 گنجل استراتژیک هم از طرف  
 خودش این اعلان و این حکم نظامی را  
 منتشر میکنند این راه بدهم خدمت آقای  
 رئیس اینهم لازم است قرائت شود  
 (دوسه نفر از نمایندگان خیر)  
 سردار معظم - بر حسب این دو اعلان  
 و این دو سند کلیه مأمورین کشوری دارای  
 هیچ نوع اختیاری نبودند و در تمام این  
 حوزه که تکرار میکنم که محدود به حوزه  
 گیلان نبود مازندران - تنکابن - قزوین  
 زنجان و طولالش هم بود در تمام این حوزه ها  
 تمام این اختیارات داده شده بود بر رئیس  
 اردوی اعزام گنجل استراتژیک و حتی  
 يك ماده هم آنها دارد که اختیار عزل و  
 انفصال کلیه مأمورین کشوری که  
 موافقت با نظر او نکنند داده شده است  
 به گنجل استراتژیک. خود این ماده  
 ثابت میکند که مأمورین کشوری در آن موقع  
 دارای هیچ نوع اختیاری نبودند در گیلان  
 دوم مرتبه اشخاص معدوم شدند بگرتبده  
 اولد کتر حشمت بود پس از آنکه ابتداء  
 آمد و تسلیم اردوی دولتی شد و تأمین نامه  
 گرفت از طرف گنجل استراتژیک با تأمین  
 نامه داده شد و قرار شد مراجعت کند بیهلوی  
 میرزا کوچک خان از طرف قوای نظامی تأمین  
 بدهد و او را بر گرداند و با آورد که قوای میرزا  
 کوچک خان هم تسلیم بشوند و قضیه تمام  
 بشود و کتر حشمت از رشت رفت بلاهیجان  
 و در آنجا بر خلاف تأمین نامه که گرفته بود  
 عمل کرد یعنی برنگشت و با میرزا کوچک  
 خان هم موافقت نکرد که او را بر گرداند  
 و يك عده قوا مأمور شدند و رفتند جنگ  
 کردند و بالاخره د کتر حشمت را گرفته  
 آوردند رشت و در محکمه نظامی او را  
 معاکمه کرده و محکوم با اعدام گردید اعدام  
 هم شد يك مطلب دیگر يك موقع دیگری  
 بود که در قزاقان جنگ شد و در موقع  
 يك سند بیست که بیست و اگر آقایان

جنگ و حمله سنگرهای جنگلی هابست نفر  
 آدم دستگیر شدند این بیست نفر مطابق  
 راپرت کتبی فرمانده قزاقان و مطابق راپرت  
 کتبی رئیس قشون گیلان که بند متأسفانه  
 راپرتش زرد نیست که اینجا ارائه بدهم ولی  
 مفادش در نظر هست و میتوانم بگویم حاکی  
 از این بود که این عده يك چند نفرشان در  
 سنگرها تفنگ بدست گرفته شده بودند و يك  
 عده دیگر شان مشغول بردن و رساندن تفنگ  
 بسنگرهای جنگلی بودند و این دو دستگیر شده اند  
 در محکمه نظامی که در قزاقان تشکیک شده  
 بود هم چنین در محکمه نظامی که در خود گیلان  
 تشکیک شده بود پنج نفر از بیست نفر محکوم  
 با اعدام شدند و با زنده نفر دیگر محکوم  
 بده سال اعمال شاقه شدند و حکم معکله  
 هم بترتبات موقع عمل گذارده شد پس  
 بنا بر این هیچ اعتراض بنده نیست زیرا  
 که بنده نه اختیاری داشته ام و نه باعث این  
 کار بودم و نه قشون در تحت امر من بوده  
 است قشون مستقل بود و از طرف دولت  
 آن زمان دارای اختیارات محدود بود.  
 فرمانده قزاقان هم معین بود فرمانده قزاقان  
 فرمانده قزاقان هم معین بود و در خود  
 فرمانده قزاقان هم معین بود و در خود  
 رشت هم صاحب منصب و رئیس کل قوا  
 اسلو تیسگی بود پس در این مورد هم  
 اعتراضی متوجه من نیست. آقای ناصر الاسلام  
 در آن موقع خودشان تشریف نداشتم و  
 البته اظهارات ایشان مشتمل بر مسموعه است  
 که شنیده اند يك قدره هم قصد از طرف  
 بنده است در آن زمان اظهارات در چنانچه  
 همیشه گفته مر شد حالا میتوانم ایشان  
 بنده بفرمائید که چرا تکذیب نکردی عرض  
 من کنه اگر آقایان بخواهند نه اظهاراتی  
 را تکذیب کنند شاید وقت کافی نباشد بنده  
 در اولین مرحله در صدد تکذیب قضیه  
 نامدم لهذا آقای ناصر الاسلام هم تصور  
 کردند که این اظهارات مبتنی بر حقیقت  
 بوده است این بود جواب اظهارات  
 آقای ناصر الاسلام که بنده  
 بعرض آقایان نمایندگان محترم رساندم و  
 در خانه هم عرض میکنم که اشخاص داور  
 مجبور هستند ماشین اداری باشند و اجرای  
 احکام مافوق خودشان که وظیفه شان هست  
 هیچ چاره ندارند بنده هم در تمام مأموریت  
 هائی که داشتم اجرای وظیفه و اطاعت مافوق  
 را کردم و بوظیفه خود عمل نمودم  
 (جمعی از نمایندگان گان مذاکرات کافی است)  
 رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟  
 (جمعی گفتند بلی کافی است)  
 رئیس - رأی میگیریم بنیایدگی آقای  
 سردار معظم آقایانیکه وکالت ایشان را تصویب  
 می کنند قیام فرمایند.  
 (اغلب قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد آقای وکیل الملک  
 (احضار برای قرائت راپرت)  
 (آقای وکیل الملک راپرت ششم چهارم  
 را راجع بنیایدگی آقای قائم مقام از تبریز

رأی داده شده و معلوم شده است که يك  
 عملی بوده است مخالف ترتیب و مخالف قانون  
 و قابل تعقیب است و از همین نقطه نظر است  
 که تصور میکنم آقایان مخالفین اشاره  
 فرمودند بيكی دو موضوع که قسمت آخرش  
 که در خاطر مانده است قضیه ارباب جمشید  
 است البته خود آقایان پس از وقت تصدیق  
 خواهند فرمود که صرف بيك نسبتی بيك کسی  
 یا يك اسنادی بيك کسی هیچوقت باعث این  
 نمیشود که آن شخص را مامور بدانیم (اصل  
 این است که اشخاص می تقصیرند) لااقل  
 اصول قضائی اینطور میگویند و اینطور حکم  
 میکند حالا اگر این اصل در نظر بعضیها طور  
 دیگر بوده نمیدانم ولی اصل این است که  
 اشخاص بتقصیرند تا آن وقتی که يك معکله  
 حکم بتقصیر آنها بدهد و تصور میکنم از  
 برای مصالح هر جامعه باید طرفدار این اصل  
 بود یعنی اشخاص مادامی که تقصیر آنها در  
 يك معکله صلاحیت داری به ثبوت نرسیده  
 است آنها را نباید بدون تقصیر دانست باین  
 ملاحظه است که عرض میکنم این موضوع  
 جرائم انتشار دادم برای اینکه آن قرارداد  
 را موضوع شد زیرا ما اینجا هیئت قضائی  
 نیستیم و باستی در يك جای صلاحیت داری  
 رسیدگی شود که آنجا در ما چا که عدلیه  
 میگویند و باید در آنجا رسیدگی شود پس  
 از آنکه رسیدگی شود معلوم شد که طرف  
 استناد محکوم بوده و تقصیر کرده است البته  
 آن وقت ترتیب اثری هم داده خواهد شد  
 چون نمی خواهم زیاد داخل در بحث مذاکرات  
 شوم تصور میکنم که تصدیق داشته باشند  
 که همه حتی الامکان باید سعی کنیم که  
 مذاکرات مجلس خیلی ملامت و با يك  
 حالتی باشد که همه آنرا يك حالت بیطرفی  
 بدانند و يك قضاوت منصفانه بنظر نرسد این  
 این است که پیش از این نمی خواهم چیزی  
 عرض کنم ولی همینقدر تذکر میدهم  
 و تکرار میکنم چنانچه در اول هم عرض  
 کردم ما باید کاری نکنیم که انشاء الله مجلس  
 با يك نظری که نظر وحدت باشد بتواند  
 تکلیف و بالاخره این كشمکهها  
 بکنیم که وقت خودمان را صرف این كشمکهها  
 يك آثاری از خود باقی نگذارد که شاید  
 ما را در بعضی مواقع از يك کارهای بزرگی  
 باز خواهد داشت.  
 (جمعی گفتند - مذاکرات کافی است)  
 (بعضی اظهار نمودند - کافی نیست)  
 رئیس - رأی می گیریم آقایانیکه  
 مسند کرات را کافی می دانند قیاس  
 فرمایند.  
 (اغلب قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد معلوم میشود کافی  
 است. رأی میگیریم بنیایدگی شاهزاده  
 نصرت الدوله آقایانیکه تصویب میکنند قیام  
 فرمایند.  
 (اغلب قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد. قسمت آقای



